



مقدمه

روزه یکی از مهم ترین عبادت های مسلمانان و مؤمنان است که به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل برای پرورش روح تقوا در تمام زمینه ها و همه ابعاد به مؤمنان معرفی شده است. انجام این عبادت در ماه رمضان در طول یک ماه کامل بر آن ها واجب است. ماهی که مهمترین امتیاز آن نزول قرآن به منظور هدایت انسان ها در آن است. در این مقاله در رابطه با مقوله های سه گانه فوق یعنی روزه، ماه رمضان و قرآن در سه فصل سخن به میان می آید.

فصل اول : روزه

روزه تکلیفی است که مؤمنان وظیفه دارند در ماه مبارک رمضان آن را به منظور تقرب به خدا با ترک خوردن و آشامیدن و مانند آن از طلوع فجر تا اذان مغرب در طول یک ماه کامل که گاه 29 روز و گاه 30 روز است، آن را به انجام رسانند.

قرآن کریم خطاب به مؤمنان فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (1) ای افرادی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بوده اند نوشته شده تا پرهیزکار شوید.

تجلی رحمت خدا در تکلیف روزه

با این که روزه از ارکان اسلام است اما انجام آن با مشقّت و محرومیت از لذایذ مادی و مشکلاتی چون تحمّل رنج گرسنگی و تشنگی همراه است اما خداوند اولاً آن را با خطاب عاطفه برانگیز و مسؤولیت بخش یا ایّها الذّین آمنو همراه کرده است تا علاوه بر اهمیّت موضوع روزه، به مؤمنان عظمت و کرامت ببخشد. امام صادق (ع) فرمود: «لَذَّةُ مَا فِي النَّدَاءِ اِزَالُ تَعَبِ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ» (2) لَذّت خطاب یا ایّها الذّین آمنو آن چنان است که سختی و مشقّت این عبادت را از بین برده است.

ثانیاً با بیان این حقیقت که روزه اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه در امتّ های پیشین نیز بوده است، این مطلب را گوشزد می کند این وظیفه، وظیفه همه انسان ها در هر دینی بوده است و این خود ترغیب بر فعل و تطیّب نفس است لذا می فرماید: این عبادت تنها بر شما واجب نشد، بلکه هیچ امتی از این طاعت مستثنا نبوده اند.

ثالثاً با بیان فایده روزه و فلسفه انجام آن یعنی تحصیل تقوا آن را یک موضوع دوست داشتنی و گوارا می سازد. رابعاً با بیان این حقیقت که گرفتن روزه برای شما خیر است و ان تصوموا خیرلکم رحمت خود را متجلی ساخته است تا مؤمنان با علاقه و عشق و محبت به این وظیفه الهی بپردازند.

روزه در دیگر ادیان

روزه بر پیروان دیگر ادیان نیز واجب بوده است و برخی گفته اند این تکلیف از عهد آدم تا کنون وجود داشته. (3) ناگفته نماند همانندی روزه مسلمانان با غیر مسلمانان در اصل تکلیف است نه در خصوصیات آن، زیرا آیه درباره این مطلب که روزه بر همه امتّ ها بدون استثنا واجب بوده در کمیّت و کیفیت نیز یکسان بوده ساکت است، در برخی نوشته ها آمده است:

روزه به طور کلی در تمام اوقات در میان هر طایفه، هر ملّت و مذهب در موقع ورود اندوه و زحمت غیر مترقبه معمول بوده است. (4)

و حیات حواریون و مؤمنین ایام گذشته، عمری مملو از افکار لذات و زحمات بیشمار و روزه داری بود. (5)

هدف روزه

- 1 انسان مسافر است و مسافر به زاد و توشه نیاز دارد. بهترین ره توشه سالکان مسیر معاد تقواست «و تزودوا فان خير الزاد التقوي»؛ (6) توشه برگیرید زیرا بهترین توشه تقوا است. برای رسیدن به تقوا گاه باید اندیشه را از راه تعلیل و تحلیل علمی و زمانی با تأیید انگیزه از راه دستورهای عملی تقویت کرد در آیه مورد نظر دستور عملی به روزه را عاملی برای پیدایش این ره توشه معنوی می کند که انسان روزه دار با روزه داری به تقوا می رسد.
- 2 روزه دارای ابعاد گوناگون و آثار فراوانی از نظر مادی و معنوی است، روزه هم در بعد اخلاقی آثاری دارد و هم از نظر اجتماعی و هم از نظر بهداشتی و روانی و تأمین صحت و سلامتی انسان. روزه از نظر اخلاقی روح انسان را تلطیف و اراده انسان را قوی و امیال و غرائز او را تعدیل می کند. زیرا انسان روزه دار اولاً با تحمّل گرسنگی و تشنگی و چشم پوشی از لذّت جنسی، روح خودش را تلطیف می کند و از این طریق زمام نفس سرکش را در اختیار داشته و بر هوس ها و شهوات خود مسلط می گردد و با تسلط بر آن قلب انسان از نور و صفا برخوردار می گردد.
- و ثانیاً با ترک موقت خوردنی ها و نوشیدنی ها و لذایذ با امکان دسترسی به آن ها از طریق حلال، روحیه مقاومت را در خود تمرین می دهد تا در غیر ماه رمضان از حرام اجتناب کند و به عبارت دیگر: اراده خود را تقویت می کند تا به راحتی از هرچه که حرام است دوری گزیند.
- و ثالثاً با اراده قوی، امیال خود را تعدیل می کند نه چون حیوانات که تنها تحت تأثیر غرائز عمل کند بلکه غرائز خود را در اختیار دارد که در جایی که باید آن را اعمال کند، اعمال کند و در جایی که باید کنترل کند و اعمال نکند، اعمال نمی کند و بالأخره روزه انسان را از عالم حیوانات ترقی داده و به عالم ملکوت و فرشتگان صعود می دهد. در روایات اسلامی روزه را سپری در برابر آتش دوزخ معرفی می کند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الصوم جنة من النار»؛ (7) روزه سپری است در برابر آتش دوزخ.
- امام صادق (ع) از پدرانش نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) به اصحابش فرمودند: «الا خبرکم بشیء ان انتم فعلتموه تباعد الشیطان منکم كما تباعد المشرق من المغرب به قالوا بلی یا رسول الله (ص) قال: الصوم یسود وجهه و الصدقة تکرّ ظهره و الحب فی الله و الموازرة علی العمل الصالح یقطع دابره و الاستغفار یقطع وتینه و لكل شیء زکاة و زکاة الابدان الصیام»؛ (8) روزه روی شیطان را سیاه می کند و انفاق و صدقه دادن در راه خدا پشت او را می شکند و دوست داشتن به خاطر خدا و مواظبت بر عمل صالح دنباله او را قطع می کند و طلب مغفرت از خدا رگ گردن او را قطع می کند و برای هرچیزی زکاتی است و زکات بدن روزه گرفتن است.
- حضرت امیر (ع) فرمود: «والصیام ابتلاء لاخلاص العمل»؛ (9) خدای سبحان از این جهت روزه را واجب فرمود که روح اخلاص در مردم پرورش یابد.
- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «انّ للجنة باباً یدعی الریان لایدخل منه الا الصائمون»؛ (10) بهشت دری دارد به نام ریّان (سیراب شده) که تنها روزه داران از آن وارد می شوند.

مشاهده ملکوت

روزه دار به دلیل صبر و مقاومت در برابر گرسنگی و تشنگی و امیال و غرائز می تواند ملکوت را مشاهده کند. توضیح آن که: بزرگترین مانع پیشرفت معنوی بشر اشتغال به خوردن و آشامیدن و لذائذ بدنی است و بهترین عامل رشد روحی وی نزاهت و پرهیز از این امور است روزه انسان را از اشتغال به امور مادی باز می دارد و فراغت بیشتری برای او فراهم می کند تا در راز آفرینش خود بیندیشد و زادراش را فراهم آورد، روزه بهترین راه برای رسیدن به باطن عالم و مشاهده ملکوت آن است.

کم خوری و رعایت اعتدال از بهترین راه های طیّ مسیر کمال است چنان چه پرخوری از بزرگترین موانع کمال به شمار می آید. بر همین اساس برخی بزرگان فرمودند: در فضیلت روزه همین بس که انسان روزه دار شبیه فرشتگان می شود و غذای او چون فرشتگان تسبیح و تحمید حضرت حق تعالی است.

در روایتی از امام رضا (ع) علت دستور به روزه داری سؤال شد، آن حضرت فرمود: «لکی یعرفوا الم الجوع و العطش فليستدلّوا على فقر الآخرة و ليكون الصائم خاشعاً ذليلاً مستكيناً مأجوراً محتسباً عارفاً صابراً على ما اصابه من الجوع و العطش فيستوجب الثواب مع ما فيه من الامساك عن الشهوات و يكون ذلك واعظاً لهم في العاجل و رائضاً لهم على اداء ما كلّفهم و دليلاً لهم في الآجل و ليعرفوا شدة مبلغ ذلك على اهل الفقر و المسكنة في الدنيا فيؤدّوا اليهم ما افترض الله لهم في اموالهم»؛ (11) علت تشریع روزه آن است که اولاً مسلمانان رنج گرسنگی و تشنگی را دریابند و به فقر و نیاز آخرت راه یابند و ثانیاً انسان روزه دار در برابر خدا خاشع و خاضع بوده و از اجر و پاداش برخوردار شده و بر آن چه که از گرسنگی و تشنگی به او می رسد صبر کند تا استحقاق ثواب خدا را بیابد و ثالثاً روزه داری سبب جلوگیری از شهوت ها می شود و رابعاً روزه داری سبب می شود تا او واعظی در حال داشته و ریاضتی را تحمّل کرده تا در آخرت از آثار آن بهره مند شود و خامساً بداند گرفتاری هایی که به فقیران و نیازمندان در دنیا می رسد پس حقوقی را که در اموال خود دارد به آن ها پرداخت کند.

از این روایت استفاده می شود انسان سیر در برابر خدا خشوع و ذلّت بایسته را ندارد، از این رو خدا فرمود: روزه بگیرد تا با تقوا باشید منشأ فجور شهوت و غضب است و قوّه غضب نیز در خدمت شهوت است، بیشتر انسان های ظاهری حیوان شهوی اند و قوّه غضب در آنان برای دفع از مشتتهای نفسانی است و در این روایت امام رضا (ع) روزه گرفتن را عامل شکسته شدن شهوت می داند.

انسان روزه با روزه دارای واعظ درونی است که او را نسبت به آخرتش پند دهد.

از نظر اجتماعی نیز روزه درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است انسان های متمکن و ثروتمند با انجام این دستور دینی، موقعیت گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس درمی یابند. از این روی می یابیم که هشام ابن حکم از علت تشریع روزه سؤال می کند، امام صادق (ع) جواب می فرماید: «انما فرض الله عزّ و جلّ الصيام لیستوی به الغنی و الفقیر و ذلك ان الغنی لم یکن لیجد مسّ الجوع فیرحم الفقیر، لانّ الغنی كلما اراد شیئاً قدر علیه فاراد الله عزّ و جلّ ان یستوی بین خلقه و ان یذیق الغنی مسّ الجوع و الالم لیرقّ علی الضعیف و

یرحم الجائع»؛ (12) روزه به این دلیل واجب شده است که میان غنی و فقیر مساوات و برابری برقرار گردد و این به خاطر آن است که غنی طعم گرسنگی را بچشد و نسبت به فقیر ادای حق کند، زیرا اغنیاء و ثروتمندان هرچه را بخواهند برای آن ها فراهم است، خدا می خواهد میان بندگان خود مساوات باشد و طعم گرسنگی و درد و رنج را به ثروتمندان بچشاند تا نسبت به ضعیفان و گرسنگان ترحم و دلسوزی کنند.

انسان روزه دار علاوه بر ترحم و دلسوزی نسبت به نیازمندان، و شریک شدن با آن ها در تحمّل رنج گرسنگی و تشنگی، مازاد مصرف خود را ذخیره و آن را در اختیار نیازمند قرار می دهد.

ویژگی های روزه

روزه در آموزه های اسلامی ویژگی هایی دارد که به آن ها اشاره می شود:

1. سلامتی و تندرستی

پیامبر اسلام (ص) فرمود: ان الله اوحى الى نبيّ من بنى اسرائيل: اخبر قومك ان ليس عبد يصوم يوماً ابتغاء وجهي الا صحّت جسمه واعظمت اجره؛ (13) خدای سبحان به پیامبری از بنی اسرائیل وحی کرده است به قومت خبر بده که بنده ای روزی را روزه نمی گیرد برای رضای خدا جز این که جسمش سالم می ماند و پاداشش بزرگ داشته می شود.

و در روایت دیگری فرمود: صوموا تصحوا؛ (14) روزه بگیرید سالم می شوید. با توجه به این که پیامبر فرمود: المعدة بيت كلّ داء و الحميّة رأس كلّ دواء؛ (15) معده خانه تمام دردها و امساک بالاترین داروهاست. روشن می شود انسان روزه داری که در ماه رمضان از خوردن و آشامیدن خودداری می کند، دستگاه گوارشی او به استراحت پرداخته و مواد زائد بدن را دفع می کند.

2. عبادت بی مانند

روزه دارای خصلتی است که در اعمال عبادی دیگر یافت نمی شود از این رو راوی می گوید: به پیامبر اکرم (ص) گفتم: مرا به کاری فرمان ده که با عمل به آن خدای سبحان به من سود و منفعت اعطاء کند. پیامبر (ص) فرمود: «علیک بالصوم فانه لامثل له»؛ (16) بر تو باد به روزه گرفتن زیرا چیزی در عبادت مانند او نیست.

3. دعای فرشتگان برای روزه داران

امام صادق (ع) از پیامبر نقل فرمود: که آن حضرت فرمودند: انّ الله عزّ و جلّ وکّل ملائکته بالدعاء للصائمين و قال اخبرنی جبرئیل عن ربّه انه قال: «ما امرت ملائکتی بالدعاء لاحد الاّ استجیب لهم فيه»؛ (17) خدای متعال به فرشتگان وکالت داده تا برای روزه داران دعا کنند و فرمود: جبرئیل از سوی خدا به من خبر داد که خدا فرمود: فرشتگان را امر به دعا نکردم جز این که آن را اجابت خواهم کرد. و در سخن دیگری آن حضرت فرمود: «انّ الصائم تسبیح عظامه و تستغفر له الملائكة ما اکل عنده»؛ (18) استخوان های روزه دار خدا را تنزیه می کند و فرشتگان برای او استغفار می کنند.

4. آمرزش گناهان

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من صام رمضان ايماناً و احتساباً غفرله ما تقدّم من ذنبه»؛ (19) کسی که در ماه رمضان از روی ایمان و اعتقاد روزه بگیرد خدای متعال گناهان گذشته اش را می بخشد. بر اساس آموزه های قرآن که انّ الحسنات یذهبن السيئات؛ نیکوکاری ها بدی ها را از صفحه اعمال انسان پاک می کند روزه کار خوبی است که سیئات و بدهی های گناه را در انسان از بین می برد.

5. استجاب دعای روزه دار

یکی از ویژگی های روزه دار آن است که دعای او مستجاب می شود پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ثلاثة لاتردّ دعوتهم: الصائم حتی یفطر» (20) سه گروه دعای آن ها رد نمی شود که از آن ها روزه داری است تا افطار کند. و در بیان دیگر فرمود: «الصائم عند افطاره دعوة مستجابة»؛ (21) دعای روزه دار هنگام افطار مستجاب است.

و در گفتار دیگری فرمود: «نوم الصائم عبادة و صمته تسبیح و عمله مضاعف و دعائه مستجاب و ذنبه مغفور»؛ (22) خواب روزه دار عبادت و سکوت او تنزیه خدا و عمل او چندین برابر و دعای او مستجاب و گناه او مورد مغفرت است.

از این احادیث استفاده می شود، هر سالکی که حرمت الهی را پاس دارد دعای او مستجاب خواهد بود. روزه دار نیز از این برکت برخوردار و از وعده استجاب دعا بهره مند است.

6. دهان روزه دار خوشبوتر از مشک

در روایات دهن روزه دار را عطر آگین معرفی می کند. امام صادق (ع) می فرماید: «اوحی الله عزّ و جلّ الی موسی (ع) ما یمنعک من مناجاتی: فقال: یا ربّ احبّک عن المناجاة لخلوف فم الصائم فاوحی الله عزّو جلّ الیه: یا موسی لخلوف فم الصائم اطیب عندی من ریح المسک»؛ (23) خدای سبحان به موسی کلیم وحی کرد و فرمود: چه چیزی تو را از مناجات با من باز می دارد، موسی کلیم فرمود: به دلیل بوی دهان روزه دار مناجات را به تأخیر انداختم، خدای سبحان به وی وحی کرد و فرمود: بوی دهن روزه دار برای من از بوی عطر مشک عطرآگین تر است. ناگفته نماند، این استشمام، استشمام ملکوتی است و استشمام ملکوتی نیازمند به باز شدن شامه قلبی است و باز شدن شامه قلبی و درونی آدمی است که عطرآگین بودن دهن روزه دار احساس می شود.

7. دو خوشحالی برای روزه دار

امام صادق (ع) فرمود: «للصائم فرحتان، فرحة عند افطاره و فرحة عند لقاء ربّه»؛ (24) روزه دار دو خوشحالی دارد، خوشحالی هنگام افطار و خوشحالی هنگام ملاقات پروردگار. روزه دار هنگام افطار خوشحال است زیرا از عهده تکلیف الهی برآمده است و هنگام لقای خدای سبحان نیز شاداب و شادمان خواهد بود. البته ممکن است هنگام افطار، غروب و مغرب باشد و ممکن است عید فطر باشد که جایزه روزه داران در آن روز اعطا می شود.

8. اعطاء پاداش به روزداران توسط خدای سبحان بدون واسطه

در روایات فراوانی آمده است که خدای سبحان روزه را برای خود می داند و خود بدان پاداش می دهد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «كُلَّ عمل ابن آدم يضاعف الحسنة عشرة امثالها الى سبعمئة ضعف قال الله عزّ و جلّ الا الصوم فانه لي و اجزي به يدع طعامه و شرابه و شهوته من اجلي»؛ (25) همه اعمال حسنه انسان از ده برابر تا هفتصد برابر پاداش دریافت می کند اما خدا فرمود روزه مال من است و من به آن پاداش می دهم زیرا روزه دار برای خدا خوردن و آشامیدن و شهوتش را رها می کند.

و باز پیامبر (ص) فرمود: «الصيام لارياء فيه قال الله: هولي و انا اجزي به»؛ (26) در روزه ریا و تظاهر راه پیدا نمی کند او مال من است و من به آن پاداش می دهم.

این که در روایت فرمود: روزه مال من است برای آن است که روزه صبغه صمدی دارد و بیان گر اوصاف تنزیهی خدای سبحان است زیرا خدا همه را غذا می دهد اما خود غذا خور نیست روزه دار نیز در بخشی از ساعات شبانه روز از خوردن و آشامیدن و امور ممنوع دیگر خودداری می کند.

و این که فرمود: من بدون واسطه به روزه دار پاداش می دهم از عظمت این عمل و خالص بودن حکایت می کند.

9. پذیرایی ویژه روزه داران در بهشت

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «للجنة ثمانية ابواب: فيها بابٌ يسمّى الرّيان يدخل منه الصائمون فاذا دخل آخرهم اغلق فلم يدخل منهم احد و من دخل منه شرب و من شرب لم يظمأ ابداً»؛ (27) بهشت هشت در دارد که نام یکی از آن درها (ریان) است که روز قیامت از آن در روزه داران وارد می شوند و غیر آن ها وارد نخواهند شد، گفته می شود روزه داران کجایند تا وارد شوند، وقتی که آخرین آن ها وارد شد در بسته می شود و کسی وارد نخواهد شد و کسیکه از آن در وارد شد از نوشیدنی استفاده می کند و هر کس از آن نوشیدنی بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. روزه داران در قیامت از سفره ای استفاده می کنند که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی آن را شنیده و نه بر قلب کسی خطور کرده است.

10. شفاعت روزه از روزه داران

عمل صالح همواره زنده است و از عامل شفاعت می کند زیرا صورت ملکوتی عمل صالح به طرف خدای سبحان صعود می کند و همین عمل زمینه صعود عامل را نیز فراهم می کند از این رو پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الصيام و القرآن يشفعان للعبد يوم القيامة، يقول الصيام، اي ربّ منعتك الطعام و الشهوة فشفعني فيه و يقول القرآن

منعته النوم بالليل فشفعني فيه قال: فيشفعان»؛ (28) روزه و قرآن از انسان در روز قیامت شفاعت می کنند، روزه می گوید: پروردگار من این انسان را از خوردن و اعمال شهوت باز داشتی. مرا در آن شفیع قرار ده و قرآن می گوید: این انسان را از خواب شب منع کردی، مرا در آن شفیع قرار ده، خدای سبحان به آن ها اجازه شفاعت می دهد و آن ها شفاعت می کنند.

دستورات روزه برای کاستن از سنگینی آن

«ایاماً معدودات فمن كان منكم مريضاً او على سفر فعدة من ايام اخره على الذين يطيقونه فدية طعام مسكين فمن تطوع خيراً فهو خير له و ان تصوموا خيراً لكم ان كنتم تعلمون»؛ (29) چند روز معدودی را باید روزه بگیرند و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد و بر کسانی که روزه برای آن ها طاقت فراست (همچون بیماران مزمن و پیران) لازم است کفاره بدهند، مسکینی را اطعام کنند و کسی که کار خیری انجام دهد برای او بهتر است و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید.

در آیه فوق چند دستور دیگر را برای روزه داران بیان می کند تا از سنگینی بار روزه کاشته شود و آن ها عبارتند از:

1. اولاً بدانید انجام عمل روزه در روزهای معدودی است نه آن که لازم باشد در همه سال و یا بخش مهم از آن را روزه بدارید. میبیدی در کشف الاسرار می نویسد: خداوند سبحان چون بندگان را بر روزه تکلیف کرد و این بار حکم بر ایشان نهاده ایاماً معدودات بگفت تا بر بندگان تکلیف کردن نیاید پس ایاماً معدودات تخفیفی است فردی، نظیر «وجاهدوا فی الله حق جهاده» که پس از آن فرمود: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (30)
2. برای بیمار و مسافری که روزه گرفتن برای او مشقت دارد از این حکم در سفر معافند و باید روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرند.

3. کسانی که با نهایت زحمت باید روزه بگیرند مانند پیرمردان و پیرزنان و بیماران مزمنی که بهبودی برای آن ها نیست روزه گرفتن برای آن ها واجب نیست. آن ها باید به جای روزه گرفتن کفاره بدهند و مسکینی را اطعام کنند.
4. اگر کسی مایل باشد بیش از آن چه که به عنوان کفاره فرض و واجب است به صورت تطوع و استحبابی اطعام کند برای او خیر است.

5. یکی از حکمت ها و فلسفه های روزه آن است که خیر، مصلحت مسلمانان در انجام آن است در صورتی که آن ها به خیر بودن آن توجه کنند. زیرا انبیاء الهی تعالیمی آورده اند که بشر در پیشرفت همه علوم از نیل و ادراک آن ها عاجز و ناتوان است چه این که فرمود: «و یعلمکم مالم تکنونوا تعلمون»؛ (31) خدای سبحان حقایق و معارف و چیزهایی را به شما تعلیم می دهد که شما هرگز نمی توانستید به آن معارف و حقایق علم پیدا کنید.

یکی از نوآوری های انبیاء که با محاسبات علمی نمی توان به آن رسید مسئله امساک از خوردن و آشامیدن و کنترل غرائز همراه با خلوص و قصد تقرب است قرآن کریم علم جامعه بشری به این معارف را در پرتو ایمان به وحی و استماع آیات آن و تحلیل عمیق علمی آن ها ممکن می داند.

فصل دوم : ماه رمضان

«شهر رمضان الَّذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان فمن شهد منکم الشهر فلیصمه و من کان مریضاً او علی سفر فعِدَّة من ايام اخر، یریداللہ بکم الیسرو لایرید بکم العسر و لتکملوا العدة و لتکبّروا اللّٰه علی ما هدیکم و لعلّکم تشکرون»؛ (32) (آن چند روز معدود را که باید روزه بگیرید) ماه رمضان است، همان ماهی که قرآن در آن نازل شده است، قرآنی که موجب هدایت مردم و دارای نشانه های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است.

کسانی که ماه رمضان در حضر باشند باید روزه بگیرند، اما آن ها که بیمار یا مسافرنند روزهای دیگر را به جای آن روزه می گیرند، خدای سبحان راحتی شما را می خواهد و زحمت شما را نمی خواهد، هدف آن است که شما تعداد این روزها را کامل کنید و خدا را به خاطر این که شما را هدایت کرده، بزرگ شمارید و شاید شکر نعمت های او را بگذارید.

1. وجه نامگذاری ماه رمضان

1. رمضان از ریشه رمض به معنای شدّت و حرارت است (33) و در اصطلاح ماه پنجم از ماه های قمری را گویند در علت نامگذاری این ماه به رمضان وجوهی گفته اند: رمض بارانی است که قبل از پائیز می بارد و زمین را شستشو می دهد همچنان که ماه رمضان انسان ها را از گناه شستشو و دلهایشان را پاک می کند. (34)
 2. رمضان حرارت سنگ بر اثر حرارت خورشید است و چون روزه دار در ماه رمضان حرارت تشنگی و مانند آن را احساس می کند به آن رمضان گفته شده است. (35)
 3. رمضان از اسمای الهی است و بر اثر رحمت پروردگار گناهان برطرف می شود. (36)
- از این رو امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: لاتقولوا رمضان و قولوا شهر رمضان فانکم ماتدرون ما رمضان. (37)
- و امام باقر (ع) فرمود: «لاتقولوا هذا رمضان و لا ذهب رمضان و لاجاء رمضان فانّ رمضان اسم من اسماء اللّٰه و لكن قولوا شهر رمضان»؛ (38) نگویند این رمضان است و نگویند رمضان رفته است و یا آمده است، رمضان اسمی از اسماء خداست ولی بگویند ماه رمضان.
- و پیامبر اکرم (ص) در وجه تسمیه رمضان فرمود: «انما سمّی رمضان لانّ رمضان یرمض الذنوب»؛ (39) رمضان را به رمضان نام گذاری کردند چون رمضان گناهان را شستشو می دهد.

2. ماه رمضان، ماه وجوب روزه و علت آن

با توجه به این که در آیات قبل از وجوب روزه در روزهای معین سخن به میان آمده، در این آیه ظرف آن روزهای معین را مشخص کرده و آن ماه مبارک رمضان است.

از اختصاص ماه رمضان به وجوب روزه در بیانی از امام رضا (ع) چنین است اگر پرسش شود که چرا خدای سبحان روزه را در ماه رمضان واجب گردانید نه ماه دیگر، علت و حکمت آن این است که اولاً ماه رمضان ماهی است که خدای سبحان قرآن را در آن فرو فرستاده است که در آن مرز حق و باطل از هم تمایز پیدا می کند چنان که قرآن فرمود، ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است و ثانیاً در آن نبوت تحقق پیدا کرده است و ثالثاً در آن شب قدری قرار گرفته است که ارزش آن بیش از هزار ماه است و در آن هر امر حکیمانه و استواری بر اساس حکمت الهی تدبیر و اجرا می گردد و رابعاً آغاز سال است که مقدرات سالانه هرچیز و هر شخصی به اعتبار شب قدر در آن رقم می خورد.

اگر پرسش شود که چرا به روزه در ماه رمضان امر شده است و نه کمتر و نه بیشتر برای آن است که ارزیابی صحیح توان غالب مردم مقدور خدای سبحان است که به هر چیز احاطه علمی دارد و شاید از تجربه نوعی به توان استمداد کرد که نصاب مقرر برای اهل روزه و افطار و برای ادا و قضا حدی است معقول و مقبول متشرعان از این رو خدای سبحان این توان را در نظر گرفته و آن را در ماه رمضان قرار داده است و اگر توان مردم کمتر از این بود روزهای کمتری واجب می شد و اگر توان بیشتر بود روزهای بیشتری واجب می گردید. (40)

3. ویژگی های ماه مبارک رمضان

در روایات و ادعیه ویژگی های فراوانی برای ماه رمضان ذکر شده که بیان گر عظمت این ماه است. در دعای 44 صحیفه سجادیه که هنگام دخول ماه رمضان امام سجاد (ع) آن را می خواندند آمده است که خدا را سپاس که ما را به راه های احسان خویش کشاند که به مدد ستایش او به سوی خشنودی اش ره پوییم، ستایشی که از ما بپذیرد و خرسند گردد. سپاس و ستایش خدای را که ماه خود، ماه رمضان را راهی از راه های احسان خویش قرار داد.

ماه روزه، و ماه اسلام و ماه پاکی و پاک کنندگی و ماه آزمایش برای خلوص و ماه به پا خاستن برای شب زنده داری و ماهی که قرآن چون رهنمونی برای مردم و چون نشانه هایی آشکار از راه راست و جدا کننده درست از نادرست است، برای همین برتری آن را بر ماه های دیگر با حرمتی بی شمار و فضیلت های بسیار، آشکار ساخت از این رو برای بزرگداشت این ماه، آن چه را که در ماه های دیگر جایز و حلال می شمرد حرام کرد و به گرمی داشت آن خوردنی ها و نوشیدنی ها را ممنوع کرد و برای وقتی معلوم و مقرر فرمود که اگر پیش تر انجام گیرد خدای متعال انجام آن را اجازت ندهد و اگر باز پس افرازد نپذیرد.

پیامبر اکرم (ص) در خطبه ای در پایان ماه شعبان در اهمیت این ماه فرمود: ماه رمضان، ماه خدا، ماه برکت، آمرزش و رحمت است ماهی که روزهای آن برتر از روزهای دیگر و شب های آن بهترین شب هاست، لحظات و

ساعات این ماه بهترین ساعات است.
ماهی که مردم در آن به میهمانی خدا دعوت شده اند و از کسانی که مورد اکرام خدای سبحان هستند.
ماهی که نفس ها تسبیح، خوابشان عبادت، اعمالشان مقبول و دعاهاشان مستجاب است. (41)

فصل سوم : قرآن

1. ماه رمضان ماه نزول قرآن

ماه رمضان ماهی که شرافت آن به نزول قرآن است یعنی عظمت و شرافت ماه به قرآن است نه به وجود روزه...
قرآنی که حاوی معارف و احکام فراوانی است که یکی از آن ها روزه است، قرآنی که هدایت انسان ها را بعهدہ دارد
و شواهد هدایت و فرق بین حق و باطل در آن تعبیه شده است.

2. اوصاف قرآن

در روایات فراوانی خدای سبحان اوصاف قرآن را ذکر فرموده است: قرآن نور و روشنایی است که خود روشن است
و دیگران را روشن می کند، قرآن کتابی خواندنی است که گاه به انسان هشدار می دهد و گاه به او بشارت و مژده
می دهد، قرآن کتابی است که خدای سبحان به عنوان بهترین نعمت معنوی به انسان ارزانی داشته است، قرآن
معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام، کتاب موعظه و پند و اندرز است، کتابی است که بیماری های روحی و قلبی
انسان را شفا می بخشد، و اوصاف فراوان دیگر: اما در آیه مورد نظر سه وصف برای قرآن ذکر می کند:

الف: کتاب هدایت

قرآن هدایت گر انسان هاست، اگرچه هدایت از اوصاف فعلی خداست و فقط او هدایت گر انسان هاست اما
نسبت هدایت به قرآن به اعتبار مظهر بودنش برای هدایت حق تعالی است.
قرآن هدایت گر همه انسان هاست اما در برخی آیات آن را هادی متّقین معرفی کرده است. اما باید توجه داشت
که برای متّقیان هادی بالفعل است و تنها آن ها که از تقوا بهره ای دارند از این کتاب بهره بهینه می برند.

ب: شواهد دلایل هدایت

در آیه فرمود: و بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ يُعْنَىٰ قُرْآنٌ دَلِيلٌ وَ شَوَاهِدٌ هِدَايَتٍ است. گروهی از انسان ها وجود خدا و معاد و نیاز بشر به وحی و پیامبری و این که تنها راه اصلاح جوامع بشری وحی است را با برهان عقلی می فهمند، معارف قرآن برای این دسته روشن است و آیات قرآن برای این گروه شاهد است و دلیل نقلی در واقع برای آنان تأیید کننده برهان عقلی است اما کسانی که خود اهل ابتکار و استدلال نیستند سراسر قرآن برای آنان هدایت است.

ج: فارق بین حق و باطل

قرآن به اعتبار اشتغال آن بر معارف الهی و احکام عملی معیار سنجش حق و باطل است.

سر برداشتن حکم روزه از مسافر و بیمار

قرآن در این آیه حکم روزه برای مسافر را با شرایط خود برداشته است و فرموده در حالت سفر و بیماری روزه بر آن ها واجب نیست و در غیر ماه رمضان باید روزه بگیرند البته باید حتماً یک ماه کامل روزه بگیرند قرآن بدنبال آن سر آن را ذکر می کند و می فرماید: يَرْيِدُكُمْ الْيَسْرَ وَ لَا يَرْيِدُكُمْ الْعُسْرَ خدای سبحان راحتی شما را می خواهد و زحمت شما را نمی خواهد یعنی روزه با تمام اهمیتی که دارد چون خدای سبحان زحمت انسان ها را نمی خواهد در سفر و در حالت بیماری این وجوب برداشته می شود زیرا اسلام دین آسان و روان است و پیامبر فرمود: که خدا مرا به شریعتی و آیینی مبعوث کرده است که آسان و روان است. (42)

و در این دین تکلیفی فراتر از توان انسان ها ندارد و چون روزه گرفتن مریض و مسافر غالباً دشوار است قرآن در آیه مورد نظر به دلیل مشقّت زا بودن، حکم آن را برداشته ولی وجوب قضا برای جبران و تکمیل شماره روزه های فوت شده فرموده، شما باید قضای روزه های فوت شده را انجام دهید.

روزه و اعتراف به کبريایی خدا

در پایان آیه مورد بحث قرآن فرمود: وَلِتَكْبَرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ تا خدا را به خاطر آن که شما را هدایت کرده بزرگ بشمارید و سپاسگزار نعمت های او باشید. در واقع یکی از حکمت های روزه اعتراف به کبريایی خدا در فرستادن قرآن و اقرار به ربوبیت او و عبودیت بندگان اوست و همچنین روزه گرفتن سپاسگزاری از اوست به جهت هدایتی که در حق بندگان روا داشته است اما این که روزه گرفتن برای شکر نعمت است جهت آن این

است که عبادت برای تشکر از خداست و روزه وقتی شکر نعمت محسوب می شود که واقعی باشد یعنی انسان در رستن از آلودگی های طبیعت و خودداری از بسیاری خواسته های برخاسته از نفس، اخلاص داشته باشد.

نتیجه گیری

- از مجموعه مطالب مطرح شده استفاده می شود که خدای سبحان روزه را بر مسلمانان و مؤمنان واجب کرده است چنان که بر پیشینیان نیز واجب کرده بود. و خدا برای این که مشقّت را بودن این عبادت را برای مؤمنان قابل پذیرش قرار دهد از تعبیر ویژه ای استفاده کرده است و آن ها عبارتند از:
1. با خطاب به مؤمنان لطف و رحمت خود را به آن ها نشان داده و گرفتن روزه را در واقع لطف و رحمت خدا به بندگان می داند.
 2. فرمود: وجود روزه اختصاص به شما ندارد بلکه پیشینیان نیز این تکلیف را داشته اند.
 3. روزه به منظور تکمیل نفسانی شما و رسیدن به تقوای الهی است.
 4. وجوب این روزه در مدت معین و در ماه خاص یعنی ماه رمضان است و در این ماه انسان ها از حلال اجتناب می کنند تا در غیر رمضان از حرام دوری کنند.
 5. ماهی که روزه در آن بر مؤمنان واجب شده است ماه خیر و برکت و نزول قرآن است که وسیله هدایت انسان و برخورداری از شواهد هدایت و فارق بین حق و باطل است، ماهی که در آن شب قدر واقع شده است. که ارزش آن برابر با هزار ماه است، شبی که در آن تقدیر و سرنوشت انسان رقم می خورد.
 6. انسان مسافر و مریض برای تسهیل و آسان گیری این تکلیف را ندارد گرچه در غیر ماه رمضان به تعداد روزهای سفر و بیماری باید آن را جبران کند.
 7. انسان هایی که توان انجام قضای روزه را ندارند بجای روزه گرفتن باید به مساکین اطعام کنند.
 8. روزه عبادتی است که انسان مؤمن آن را به منظور اعتراف به کبريایی خدا انجام می دهد.
 9. روزه مثل دیگر عبادات برای شکر نعمت های الهی است.
 10. قرآنی که در این ماه نازل شده است هدف نزول آن هدایت بشریت و رهانیدن آنان از جهل و ظلمت و وارد کردن آنان در نور و روشنایی است از این رو شایسته است مسلمانان برای رسیدن به نور قرآن و استفاده از مواظ آن و درمان بیماری های روحی به قرآئت آن پرداخته و ضمن خواندن، در معارف آن تدبیر نموده و حقایق آن را فهم کنند و به آن عمل نمایند.

پی نوشت ها :

1. سوره بقره، آیه 183.

2. تفسیر مجمع البیان، ج 21، ص 490.

3. الکشاف، ج 1، ص 225.

4. قاموس، كتاب مقدس، ص 327.
5. همان، ص 328.
6. سوره بقره، آیه 197.
7. اصول کافی، ج 2، ص 19.
8. وسائل الشيعه، ج 10، ص 395. 396.
9. نهج البلاغه، حکمت 252.
10. وسائل الشيعه، ج 10، ص 404.
11. همان، ج 7، ص 4.
12. همان، ص 3.
13. الدرالمنثور، ج 1، ص 437.
14. بحارالانوار، ج 93، ص 255.
15. همان، ج 59، ص 260.
16. الدرّ المنثور، ج 1، ص 437.
17. اصول کافی، ج 4، ص 64.
18. الدر المنثور، ج 1، ص 439.
19. همان، ص 436.
20. همان، ص 441.
21. همان، ص 437.
22. همان.
23. اصول کافی، ج 4، ص 64. 65.
24. همان، ص 65.
25. الدرّ المنثور، ج 1، ص 435.
26. همان، ص 436.
27. همان.
28. همان، ص 440.
29. سوره بقره، آیه 184.
30. كشف الاسرار، ج 1، ص 485.
31. سوره بقره، آیه 151.
32. همان، آیه 185.
33. مفردات راغب، ص 366.
34. لسان العرب، ج 7، ص 161 و تفسير كبير، ج 5، ص 83.
35. ترتيب كتاب العين، ج 1، ص 713 و تفسير قرطبي، ج 2، ص 271.
36. مجمع البيان، ج 1 2، ص 495.
37. الكافي، ج 4، ص 69.

38. همان.

39. الدرّ المنثور، ج 1، ص 444.

40. عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 123.

41. وسائل الشيعه، ج 1، ص 213.

42. كافي، ج 5، ص 294.